

## تفسیر مهدویت مطابق با نظریه‌ی علمای ابرار در امامت

حیدر حب الله

ترجمه: محمد رضا ملانی

سؤال<sup>1</sup>: مهدویت و غیبت بنا بر نظریه‌ای که ائمه علیهم‌السلام را علمای ابرار می‌داند - و امروزه نیز برخی اینگونه می‌اندیشند - چگونه تفسیر می‌شود؟

پاسخ: نمی‌خواهم به اسم رویکردی که امروزه نظریه‌ی علمای ابرار را انتخاب کرده اند صحبت کنم چون نمی‌خواهم به آنها چیزی نسبت دهم که نمی‌گویند؛ ولی از این مساله، فقط یک تحلیل صرف ارائه می‌دهم. به نظر می‌رسد این نظریه تعصب زیادی روی این دو - یعنی مهدویت و غیبت - ندارد. در عین حال ضرورتاً مساله‌ی مهدویت و غیبت را نفی نمی‌کند. زیرا عناصر اصلی‌ای که نظریه‌ی مزبور بر آنها نهاده شده و محور عقیده‌ای این نظریه را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

1. نفی عصمت مطلق و قبول عصمت نسبی. یعنی امام علیه السلام بین انسانها، کمترین اشتباه را می‌کند نه اینکه ادا خطا نمی‌کند؛ همچنین خطاهای او گاهی در حوزه‌ی شئون دینی اتفاق می‌افتد در عین حال گفتارش بر تمام مردم حجت است زیرا خطای وی در گفتارش احراز نشده است.
2. نفی علم به غیب و ولایت تکوینی. ائمه علیهم‌السلام بشر هستند که امور غیبی را نمی‌دانند مگر به مقدار بسیار محدود. هیچ ولایتی بر عالم تکوینی ندارند و وسائط در فیض الهی نیز نیستند و زندگی آنها بر معجزه‌ها و کرامات نهاده نشده است.
3. نفی علم لدنی غیر اکتسابی برای ائمه علیهم‌السلام. یعنی ائمه علیهم‌السلام نیز علوم خود را - همچون انسان‌های دیگر - از طریق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز از طریق کتابها و صحیفه‌هایی که توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر ایشان املاء شده است فراگرفته‌اند.<sup>2</sup> کتابهایی همچون جامعه و مصحف فاطمه و ... هر کدام از ایشان علم خود را از پدرش به شکل طبیعی و غیر ماورایی فراگرفته است. البته این نوع فراگیری منافاتی با حصول برخی الهامات برای ایشان ندارد.
4. نفی نص پیشینی بر ائمه علیهم‌السلام؛<sup>3</sup> بلکه هر امام توسط امام قبل از خود معین و مشخص می‌شود؛ چون امام بعدی در نظر امام قبلی، افضل برای زمانه‌ی پیش روست و تمام صفات امام را دارا می‌باشد.

<sup>1</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع 5: سؤال: 693.

<sup>2</sup> . و به تعبیر دیگر، علوم را راه غیب فرا نگرفته‌اند بلکه از پیامبر و کتابها فراگرفته‌اند.

<sup>3</sup> . و به تعبیر دیگر، نفی این عقیده که اسامی و نام‌های امامان علیهم‌السلام، از قبل در حدیثی آمده و از همان ابتدا، امامت همه‌ی آنها

طرفداران این نگرش به امامت، معتقدند شیعیان در میان چهار قرن ابتدایی اینگونه امام را می‌شناختند و این نگاه به امام در میان آنها رایج و شایع بود. مخصوصاً در مکتب و مدرسه‌ی نوبختیان و مدرسه قم و شخصیت‌های همچون ابن غضائری و ابن جنید اسکافی و دیگران؛ البته معتقدند غلبه‌ی تفکر غلو بعد از این چهار قرن، باعث شد شیعه در فهم امامت منحرف شود و این انحراف تا کنون ادامه دارد. این فهم از امامت، مهدویت و غیبت را نفی نمی‌کند هر چند گرایش به نفی آن دارد چون:

1. فکر و ایده‌ی مهدویت مساوی با ایده‌ی غیبت نیست. گاهی اینان به ظهور مهدی در آخر الزمان ایمان دارند ولی معتقدند که هنوز مهدی متولد نشده است – همانطور که بیشتر اهل سنت می‌گویند – و یا اینکه متولد شده و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است ولی از دنیا رفته و خداوند او را در آخر الزمان مبعوث خواهد کرد همانطور که در میان شیعیان، برخی از متکلمان متقدم در میان نوبختیان بر این باور بودند. در هر صورت آنچه برای طرفداران نظریه‌ی علمای ابرار مهم می‌باشد این است که مهدی، صفاتی همچون عصمت مطلق و یا علم به غیب و ولایت تکوینی و علم لدنی و ... را ندارد.

2. ممکن است کسی نظریه‌ی علمای ابرار را بپذیرد و در عین حال، معتقد باشد که خداوند متعال برای یکی از این علمای ابرار، عمر طولانی و غیبت و ظهور در آخر الزمان در نظر گرفته است. طرفداران نظریه‌ی علمای ابرار، به صورت کلی، وجود عنایت الهی به این علمای ابرار را نفی نمی‌کنند؛ آنچه شاخصه‌ی نظریه‌ی اینها است نفی اموری است که به آنها اشاره کردیم (یعنی نفی عصمت مطلق و ولایت تکوینی و علم غیب و علم لدنی و نص پیشینی بر امامت ایشان و ...). پس اصولاً از نظر اینان، منعی وجود ندارد از اینکه یکی از این علمای ابرار، مشمول عنایت الهی شده و عمرش طولانی گردد و برای ظهور در آخر الزمان، غایب گردد.

پس از نظر منطقی و قطع نظر از مسائل دیگر، نظریه‌ی علمای ابرار می‌تواند با مساله‌ی مهدویت و غیبت جمع شود. البته هستند کسانی که این نظریه را برگزیدند و مهدویت و غیبت را انکار می‌کنند. این، مساله‌ای دیگر است و ارتباطی به خود نظریه‌ی علمای ابرار ندارد؛ به عبارت دیگر، اصل نظریه‌ی علمای ابرار، مستلزم انکار مهدویت و غیبت نیست.

باید اشاره کنم نظریه‌ی علمای ابرار که در ضمن مطالب فوق، مطرح گردید و طرفداران این نظریه، اسم آن را نظریه‌ی امامت بشری می‌گذارند قابل تعدیل است به این معنی که ممکن است برخی این نظریه را به همراه تعدیلاتی بپذیرند. لذا امر دائر بین انتخاب این نظریه به همین شکلی که ارائه شد و یا انتخاب نظریه‌ی مقابل آن نیست. بلکه گاهی ممکن است یک محقق از نظر علمی، نظریه‌ای را انتخاب کند که نه این است و نه آن بلکه تعدیلی است از نظریات مختلف.